

(بررسی الگوهای فضایی در خانه های سنتی ایران با هدف بازشناسی هویت جمعی)

نیما صادقزاده^۱، میلاد عیدیوندی^۲

۱- عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، تهران

عضو هیئت علمی موسسه غیر انتفاعی پیام گلپایگان، اصفهان

عضو انجمن نوشهرگرایان آمریکا

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری

milad.ad6@gmail.com

چکیده

انسان امروزی بدون در نظر گرفتن آنچه بر وی گذشته است، قادر به زندگی نیست و برای داشتن زندگی بهتر، باید به زیرساخت هایی که از قبل بدست آورده است، تکیه کند. هویت انسانی در اولین، ابتدایی ترین و بهترین حالت در محیطی که خود آراسته است نمود پیدا می کند. این محیط انسان ساخت زمانی مورد اهمیت و استفاده است که به خاسته ها و ناخواسته های شخص مصرف کننده پاسخ گوید و همچنین مسیر وی را برای پیمودن راه، تا کمال انسانی هموار سازد. توجه به هویت و هویت جمعی در محیط های در حال ساخت کشور ما، امری ضروریست. چرا که محیط و شخص استفاده کننده در یک رابطه متقابلند و بر هم تاثیر میگذارند. هویت، شخصیت و یا کیفیت هر چیز می تواند در سنجش با معیارهایی، خوب یا بد، ارزیابی شود. بی هویت، بی شخصیت یا بی کیفیت خواندن افراد یا پدیده ها اشتباه رایجی است که به جای بد هویت، بد شخصیت و یا بد کیفیت به کار می رود. هویت وابسته لاجرم هر چیزی است که وجود دارد. ساخت های بد هویت و بد مفهوم موضوع با اهمیتی است که امروزه گریبان گیر طراحان محیطی، رفتار شناسان و بیشتر از همه استفاده کنندگان محیطی شده است. هدف از این تحقیق برجسته کردن هویت ایرانی - اسلامی در طراحی خانه های مسکونی و آشنایی هر چه بیشتر معماران و طراحان محیطی با عناصر و الگو های فضایی، هویت ساز در معماری خانه های سنتی است. تا با تغییر در مکانی که بیشترین زمان را در آن میگذرانیم خود نیز تغییر کنیم.

کلمات کلیدی: الگو های فضایی، هویت، هویت جمعی، خانه های سنتی، عناصر هویت ساز در خانه های سنتی.

۱- مقدمه

یکی از نیازهای اجتماع انسانی احساس امنیت و حس تعلق است. در این راستا هویت و عناصر هویتی در زندگی انسان موجب آرامش و ایجاد اعتماد به نفس و میل به داشتن تلاشی مستمر همراه با احساس امنیت می شود (موثقی ایرملو، 1385). همگی از وجود چیزی که آن را نقش یا خود می نامیم آگاهیم. درکی باطنی و قلبی از هستی ما، روح ما و یکتایی و منحصر به فرد بودن ما- گرچه برای بیشتر ما این توانایی وجود ندارد تا آن را تعریف یا توصیف نماییم. با این وجود میل داریم آن را توصیف کنیم. در تلاش برای فهم بنیادی ترین سرنمون - یعنی خود - و به منظور دستیابی به گوهر واقعی آن، افراد به فرم های فیزیکی یا نمادهایی متصل می شوند که مأنوس و معنا دارند و قابل مشاهده و تعریف پذیر نیز هستند. فیلسوف فرانسوی گاستون باشلار گفته است: همانطوری که خانه و غیر خانه، تقسیمات اصلی فضاهای جغرافیایی هستند، خود و ناخود هم بیانگر تقسیمات اصلی فضاهای روانی می باشند. فضای خصوصی، خودی است از منظر درونی دیده می شود و



فضای عمومی آن خودی است که بر می‌گزینیم تا به سایرین نشان دهیم. وقتی ما از خانه‌ای به خانه‌ای دیگری نقل مکان می‌کنیم در حله‌ای اول، بیگانه، ناخوشایند و شاید حتی خصومت‌آمیز به نظر بیاید اما بعد از گذشت زمان با آن کنار می‌آییم و آن را جزئی از خود واقعیمان می‌کنیم که گویی سالها در آن زیسته‌ایم. این تاثیر مکان در هویت شخص استفاده‌کننده از فضا است که تغییر می‌کند نه آن مکان. همانطوری که ما بر فضا و مکان تاثیر می‌گذاریم او نیز بر ما تاثیر می‌نهد و باعث تغییر در رفتار و گفتار و حتی اندیشه‌هایمان می‌شود.

هویت ایرانی - اسلامی در طراحی فضاها روز به روز کمرنگ‌تر شده تا جایی که اگر چاره‌ای برای آن نیابیم به زودی رو به فراموشی می‌رود. انسان هیچگاه بی‌هویت نمی‌شود بلکه ممکن است هویت دیگران را برای خود برگزیند و این تاثیر پذیری از هویت دیگر جوامع، که در تضاد با هویت ایرانی - اسلامی باشد نگران‌کننده است.

براستی چگونه می‌توان هویت از کمرنگ شده را به معماری خانه‌ها را بازگرداند و از تکرار گذشته جلوگیری کرد؟ عناصر هویت‌دهنده و ویژگی‌های آن کدام است؟ فضای هویت‌مدار چگونه به نیازهای انسان پاسخ می‌گوید؟

۲- محیط

انسان درون محیط رشد می‌کند، محیط بر رفتار او تاثیر می‌گذارد و او نیز برای برآورده کردن نیازهای خود محیط را تغییر می‌دهد. به این دلیل شناخت محیط و عناصر وابسته به آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود. کلمه‌ی محیط آنقدر مورد استفاده دارد که تشخیص معنایی آن مشکل شده است. جغرافیدان‌ها زمین و آب و هوا، روان‌شناسان مردم و شخصیت فردی آنها، جامعه‌شناسان سازمان‌های اجتماعی و فرایندها و در نهایت معماران ساختمانها و محیط‌های باز و منظر را محیط تعریف می‌کنند (لنگ، ۱۳۸۶: ص ۸۷).

مسئله‌ی بنیادین درک نقش محیط ساخته شده در زندگی مردم، فهم چستی معنا‌ی محیط است. فضای اطراف اصلی ترین معیار تعاریف محیط است که میتوان گفت محیط‌های اطراف انسان شامل محتوای زمینی، جاندار، اجتماعی و فرهنگی است (لنگ به نقل از گیپسون، ۱۳۸۶: ص ۸۵).

۱. محیط زمینی: تمام صورت‌های زندگی در زمینه‌های جغرافیایی شکل می‌گیرند.
۲. محیط زنده (جاندار): در محیط زندگی انسان، انسان و حیوانات دیگر زندگی می‌کنند.
۳. محیط اجتماعی: بسیاری از انسانها و موجودات در نظام‌های اجتماعی زندگی می‌کنند (نظام اجتماعی شامل مجموعه‌ای از افراد است که مستقیم یا غیر مستقیم، به منظوری خاص با هم رابطه‌ی منظم اجتماعی دارند).
۴. محیط فرهنگی: باورها و نگرش‌های ما نسبت به مردم دیگر، محیط‌های زمینی و جغرافیایی، نقش ما در جامعه و نوع فعالیت‌های روزانه مشخصه‌هایی از فرهنگ هستند.

۳- قابلیت محیط

مفهوم قابلیت محیط در عین سادگی دارای مفهومی قوی و بنیادین در نظریه‌ی طراحی محیط است. الگوهای مختلف محیط ساخته شده قابلیت‌تأمین رفتارها و تجارب زیبا شناختی مختلف را دارند. بنابراین قابلیت‌های محیط ساخته شده انتخاب‌های رفتاری و زیبا شناختی فرد را بسته به چگونگی پیکره‌بندی محیط محدود می‌کند یا گسترش می‌دهد. مردم محیط‌های طبیعی یا مصنوعی را برای دگرگون کردن قابلیت‌ها تغییر داده و به تغییر آن همچنان ادامه می‌دهند. مفهوم قابلیت محیط به بعضی از مفاهیم پیشین خود ربط دارد (Gibson 1979). کافکا (۱۹۳۵) معتقد بود که اشیاء کیفیتی درخواست‌کننده یا دعوت‌کننده دارند. یک جعبه پستی به پست کردن نامه دعوت می‌کند یا به بیان لویی کان یک آجر می‌خواهد یک قوس باشد.



گیسون این مفهوم را از مفهوم قابلیت اشیای کورت لویین گرفته است. این واژه در زبان انگلیسی توسط یک نویسنده به (کیفیت دعوت کنندگی) و توسط نویسنده دیگر به (قدر) ترجمه شده است. لویین معتقد بود که قدر یک شیء به وسیله ی نیاز ها و ارزشهای مردم به شتن داده می شود بنابراین قدر یک شیء با تغییر نیاز دریافت کننده تغییر می کند. با وجود این که قابلیت یک شیء عوض نمی شود. سودمندی ان با نیاز های فردی تغییر میکند. به نظر گیسون بنا با موجودیت خود چیزی را پیشنهاد می دهد. تشخیص قابلیت های یک شیء به ویژگی ها، تجربه ها، شایستگی ها، و نیاز های مشاهده گر مبتنی است. به نظر لویین محیط به دلیل ویژگی ها پر است از فرصت ها و محدودیت ها. (لنگ، ۱۳۸۶: ص ۹۳-۹۴)

رفتار فضایی

بیشتر نظریه پردازان طراحی محیط در مورد توصیف رفتارهای فضایی نظر های عملی داشتند. دو مفهوم در نظریه های طراحی محیط مطرح کرده اند: **نظام های فعالیت**، که به سازماندهی فعالیت هایی که در ساختمانها، محلات مسکونی و شهرها به وقوع میبندند ربط دارند. دوم **مفهوم قرارگاهای رفتاری**، که به رابطه ی بین محیط ساخته شده - محیط فیزیکی - و الگوی جاری یا شاخص رفتار که در ان مکان به وقوع می پیوندد می پردازد.

۴- قرارگاه ای رفتاری

۲-۱- خلوت

از دید آلتمن، بررسی مفاهیم خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام، برای شناخت تعامل محیط و رفتار بسیار حائز اهمیت اند. او خلوت را عالمی مرکزی و هسته اصلی پیوند دهنده این ۴ مفهوم معرفی می کند. مفاهیم خلوت و فضای شخصی؛ این واژگان اگر چه به ظاهر شباهت زیادی به یکدیگر دارند اما در مفهوم تفاوتی دارند که درک آنها و همچنین ارتباط بین این مفاهیم در طراحی بر اساس الگوهای رفتاری مؤثر خواهد بود.

خلوت فرآیندی قراردادی است که فرد یا گروه برپایه آن خود را در برخورد با دیگران قرار می دهد. در این میان مفاهیم فضای شخصی و قلمرو نیز سازوکارهایی هستند برای دستیابی به میزان دلخواهی از خلوت؛ و ازدحام وضعیتی اجتماعی است که در نتیجه ناکارایی سازوکارهای خلوت پیش می آید و در روابط اجتماعی نامطلوب، به زیاده روی می انجامد. پس در واقع از این دیدگاه قلمرو، ابزاری برای دستیابی به خلوت افراد است (آلتمن، ۱۳۸۲: ص ۲۵۴).

وستین چهار نوع خلوت را به شرح زیر تشخیص داده است. انزوا: ازاد بودن از مشاهده دیگران، قربت: معاشرت با فردی دیگر و رها بودن از محیط خارج، گمنامی: نا شناخته بودن در میان جمع، مدارا: به کارگرفتن موانع روانشناختی برای کنترل مزاحمت های ناشناخته. از دیدگاه وی: خلوت استقلال فرد را تامین میکند، هیجانان را تخفیف میدهد، به ارزیابی خود کمک میکند و ارتباطات را محدود و از آن محافظت میکند (آلتمن، ۱۳۸۲: ص ۲۵۵). نوع و میزان خلوت مطلوب، به الگوی جاری فعالیت، زمینه فرهنگی و شخصیت و انتظارات فردی وابسته است (لنگ، ۱۳۸۶).

۲-۲- فضای شخصی

فضای شخصی بیشتر به فاصله فیزیکی فرد با دیگران تعبیر می شود. به گفته آلتمن فضای شخصی به فرد متصل و وابسته است. فرد هر جا که برود فضای شخصی اش را با خود می برد؛ در صورتی که قلمرو معمولاً به منطقه ای جغرافیایی گفته می شود که نامتحرک و پایاست (آلتمن، ۱۳۸۲). از این روست که آلتمن سازوکارهای تنظیم مرز میان خود و دیگران را دارای ماهیتی بسیار پیچیده می داند. او حتی اشاره می کند که افراد از فاصله گرفتن، حالت زاویه دار نشستن، پرهیز از برخورد نگاه و موانعی



مانند میز یا صندلی و یا دیگر عوامل در مکان های همگانی برای تنظیم تماس و ارتباط خود با دیگران بهره می برند (آلتمن، ۱۳۸۲).

از دید آلتمن برای فهمیدن این که محیط های طراحی شده تا چه اندازه پاسخگوی استفاده کنندگان گوناگون است، می باید دید که گروه های گوناگون چگونه فضای شخصی خود را برمی گزینند و محیط های گوناگون چگونه به روابط متفاوت در فضای شخصی می انجامد. به گفته او می توان این پرسش ها را پیش نهاد: محیط تا چه اندازه تغییر در فضای شخصی را ممکن می سازد؟، آیا محیط ها به این قصد طراحی میشود که افراد ناگزیر باشند در آنجا در فضای شخصی خاصی گیر کنند؟، مثلاً بسیاری از دفترهای کار صندلی های ثابت دارند؛ به گونه ای که ملاقات کننده ها تنها یک حالت می توانند در دفتر بنشینند، اما می توان دفترها را به شکلی طراحی کرد که ملاقات کننده ها چند حالت در اختیار داشته باشد و بتواند از میان آن ها برگزیند. به این ترتیب صاحب دفتر می تواند برپایه سطح مطلوب تعاملی که در نظر دارد، شکل نشستن و فضای شخصی خود را برگزیند. (آلتمن، ۱۳۸۲)

۲-۳- قلمرو

از دیدگاه ایروین آلتمن رفتار قلمرویی، ساز و کاری است برای تنظیم حریم بین خود و دیگران که با شخص سازی و یا نشان گذاری یک مکان یا یک شیء و تعلق آن به یک فرد یا گروه بیان می شود. ولی از نظر لئون پاستالان: قلمرو مکانی، فضای محدود شده ای است که افراد و گروه ها از آن به عنوان محدوده اختصاصی استفاده و دفاع می کنند. قلمرو با یک مکان، هویت روانشناختی می یابد و با احساس مالکیت و ترکیب کالبدی به صورت نماد در می آید (لنگ، ۱۳۸۶: ص ۱۶۹). ویژگی های قلمرو عبارت اند از:

- ۱- شخصی سازی و نشانه گذاری یک محوطه
- ۲- تأمین کارکرد هایی که از نیاز های فیزیولوژیکی و نیازهای روانشناختی را شامل می شود
- ۳- احساس مالکیت و حق انسان نسبت به یک مکان
- ۴- حق دفاع در مقابل مزاحمت.

۲-۴- رفتار قلمروپایی

نشانه گذاری، به یکپارچگی و همسانی اشیای یک مکان که موجب حس مالکیت بر آن مکان است، گفته می شود. فرآیند شخصی سازی می تواند خودآگاه باشد ولی در اغلب موارد فرآیندی ناخودآگاه است. شخصی سازی جلوه ای از تمایل به کنترل قلمرو مکانی و بیان سلیقه زیبانشناختی و تلاشی برای سازگاری بهتر محیط و الگوی رفتار است. (لنگ، ۱۳۸۶: ص ۱۶۸). انسان و حیوان رفتار قلمروپایی را از راه های متفاوتی به نمایش می گذارند. در حیوانات رفتار قلمروپایی مبنای زیست شناختی دارد و ابزاری است برای تصاحب یک محدوده مکانی. البته در انسان این رفتار تابع هنجارها و معیارهای فرهنگی جامعه است. انسان ها معمولاً از طریق دامنه وسیعی از موانع فیزیکی و یا نشانه های نمادین علامتگذاری، از قلمرو خود محافظت می کنند. زیرا قلمرو های متفاوت و بیشتری دارند. بعضی محیط ها بدون خسارت و دخل و تصرف قابل شخصی سازی هستند. میزان شخصی شدن یک مکان به قابلیت مصالح بکار رفته در ساخت آن، شدت نیاز ساکنین به تغییر آن، منافی که در آن مکان دارند و هنجارهای اجتماعی و قوانین رسمی رایج در آن مکان بستگی دارد. (لنگ، ۱۳۸۶: ص ۱۶۹). به طور کلی می توان گفت: رفتار قلمروپایی دربرگیرنده نشانه گذاری و شخصی کردن مکان است (آلتمن، ۱۳۸۲: ص ۱۳۰).



مهمترین وجوه افتراق فضای شخصی و قلمرو عبارتند از این که اولاً " فضای شخصی " قابل انتقال است و از جایی به جای دیگر با شخص مورد نظر حرکت می کند. درحالی که قلمرو به طور نسبی ثابت است. دوم اینکه حیوان یا انسان معمولاً قلمرو خود را مرزبندی کرده و به گونه ای ملموس و محسوس آن را به دیگران تفهیم می کند، به عبارت دیگر، خود را در قالب " قلمرو " مرزبندی شده ای قرار میدهد که کاملاً برای دیگران محسوس است. در مقابل مرزبندی " فضای شخصی " نامحسوس و ناملموس است و به گونه ای نامرئی بر روابط بین افراد حاکم می شود. سوم آنکه " فضای شخصی " برای هرکس پیکر او را در مرکز خود دارد. درحالیکه قلمرو چنین نیست. یعنی چه پیکر شخص در میان باشد یا نباشد، قلمرو به قوت خود باقی است.

۲-۵- ازدحام

خلوت بیش از اندازه به احساس انزوای اجتماعی، و خلوت کم، به احساس ذهنی ازدحام منجر می شود. ازدحام به دلیل محدود ساختن استقلال و بیان فردی موجب فشار عصبی می شود و زمینه ی برقراری ارتباط دلخواه را مشکل می کند. ازدحام با احساس عدم کنترل بر محیط همراه است و تحت تاثیر ادراک فرد از میزان کنترولی است که دیگران بر مزاحمت های خود دارند. (لنگ، ۱۳۸۶: ص ۱۷۰)

۳- الگوهای فضایی

قرار گاهای رفتاری و رفتاری که ما در پاسخ به محیط انجام میدهیم، باعث ایجاد یک رفتار مشابه در یک جامعه میشود. این گونه رفتارها شالکه ی یک الگوی رفتاری در یک محیط خاص است که یک الگوی فضایی را بوجود می آورد. الگوهای فضایی ک در یک جامعه شکل می گیرند، رابطه ی مسقیم با هویت جمعی آن جامعه دارد. این رابطه، رابطه ای متقابل و دوسویه است. که با تغییر در یکی از آنها دیگری هم تغییر میکند. برخی از الگوهای فضایی مختص یک جامعه است. برخی دیگر حد و مرز جغرافیایی ندارد و برای تمامی انسانها مشترک است. مثلاً تمامی انسانها در داشتن فضایی جهت خواب مشترکند (داشتن یک اتاق خواب) ولی کیفیت این فضا در جوامع مختلف متفاوت است. زیرا هویتی متفاوت دارند. که در ادامه ی تحقیق به کیفیت الگوهای فضایی در خانه های سنتی ایرانی خواهیم پرداخت.

۴- هویت

واژه شناسی هویت: واژه هویت یا Identity ریشه در زبان لاتین Identitas دارد و از Idem (یعنی مشابه و همسان) مشتق شده که دارای دو معنای اصلی است: اولین معنای آن بیانگر مفهوم تشابه مطلق است، معنای دوم آن به معنای تمایز است که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می گیرد (محرمی، ۱۳۸۳: ۶۶). در لغت نامه ی دهخدا نیز در بیان ریشه ی و اصل کلمه هویت لفظ هو آورده شده است. هویت گاه بر وجود خارجی و گاه بر ماهیت با تشخیص اطلاق میشود که عبارت است از حقیقت جزئی (بهزاد فر به نقل از دهخدا، ۱۳۸۷: ۵۲۸۸). هویت پدیده ها در نظام های مختلف فکری با محک های مختلفی سنجیده می شود، در جامعه ای با معیارهای پایدار ارزشی، همچون جامعه سنتی -مکتبی، محک هایی متعین و در جامعه ای با معیارهای ارزشی ناپایدار، همچون جامعه مدرن -مدنی محک هایی نامتعین ملاک ارزیابی هویت قرار می گیرند (سجادی، ۱۳۶۳، به نقل از اقبالی، ۱۳۷۶)



آنچه اثری را در نگاه عموم با -بی هویت جلوه می دهد، تعلق یا عدم تعلق آن به هویتی جمعی و پایدار است. در این نگاه، اثر با هویت اثری است که هویت آن در راستای هویت جمعی باشد، و اثر بی هویت اثری است که هویت آن در تعارض با هویت جمعی باشد، مانند بنای مدرن در یک بافت تاریخی (حجت، ۱۳۸۴). هویت تلاشی است که برخی از انسان ها به منظور تداوم و تمایز حیات مادی و معنوی خود بروز می دهند و بر معیارهای گوناگونی از قبیل خانواده، خویشاوندی و مقولات انتزاعی چون دین مشترک، قومیت و دیدگاه های سیاسی استوار است. هویت ملی، قومی و دینی براساس همین تعریف شکل می گیرد (افروغ، ۱۳۷۷).

تأثیر هویت ها و ارزش های معماری در معماری و شهرسازی معاصر ایران، موضوع تازه ای نیست. همواره پیشینه و تمدن هر کشور بر دوران های بعد از خود تأثیر گذاشته و از ارزش های آن متأثر گشته است و این تأثیر گذاری و تأثیر پذیری به نوعی در تمام سرزمین ها مشاهده می گردد (اقبال، ۱۳۷۸).

۵- ابعاد هویت

۵-۱- تثبیت هویت

اگر تغییرات روندی طبیعی داشته باشد و فرصت بروز ثابت هایی را در مقطع زمانی بدهد، تغییر هویت نیز با آهنگی قابل پیش بینی و در قالبی قابل سنجش اتفاق می افتد و در مجموع کم تنش بودن جریان تغییر هویت و وجود چارچوب هایی برای قضاوت در هر مقطع زمانی هویت را به وضع تثبیت شده ای نزدیک می کند. به طوری که این پدیده علیرغم تغییرات هویتی، همواره هویت بخش به نظر می رسد (مدنی پور، ۱۳۷۹).

۵-۲- هویت کالبدی - فضایی

بافت کالبدی و ساختار مکانی -فضایی یکی از مهم ترین ابعاد هویتی فضاهای شهری را شکل می دهد زیرا شکل گیری بافت کالبدی فضاهای شهری متأثر از اندیشه ها، باورها، فعالیت ها و سطح فرهنگ جامعه است. از این رو شناخت این بخش از شهرها می تواند به شناخت بیشتر سایر ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز بینجامد. واقعیت این است که بافت کالبدی امکان بازشناسی هویت شهری را به صورت بصری فراهم می کند و به همین دلیل از میان سایر ابعاد هویتی اهمیت بیشتری دارد (کلبدی، پور جعفر، ۱۳۸۸: ۳).

۵-۳- هویت بصری

این نوع از هویت ارزش های زیباشناختی در شهر و کیفیت فضایی و امکان ادراک و موقعیت و جهت یابی را شامل می شود. اگر فردی در شهر وارد شود و او بعد از دیدن بخشهای مختلف شهر بتواند به خوبی بخشی از شهر را توصیف کند و در ذهن او باقی بماند آن فضاهای شهری نمایانگر هویت بصری خواهند بود (نوفل، کلبدی، پور جعفر، ۱۳۸۸: ۳).

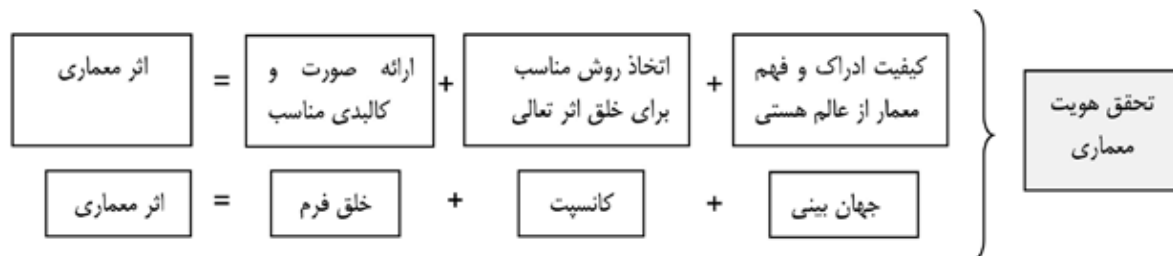
۵-۴- هویت شناختی

هویت شناختی کیفیت و کمیت اطلاع از فضای شهر و نمادها و نشانه های شهری و ارزش های تاریخی و فرهنگی را نشان می دهد. عناصر هویتی هر کدام در شب و روز مفهوم خاصی را به ما می دهد عناصر باید در شب و روز آن چنان خوانایی و وضوح داشته باشد که هویت بخشی به شهر را در هر دو زمان حفظ کند (موثقی ، ۱۳۸۵).

۵-۵- بی هویتی

هویت، شخصیت و یا کیفیت هر چیز می تواند در سنجش با معیارهایی، خوب یا بد، ارزیابی شود. بی هویت، بی شخصیت یا بی کیفیت خواندن افراد یا پدیده ها اشتباه رایجی است که به جای بد هویت، بد شخصیت و یا بد کیفیت به کار می رود. هویت وابسته لاجرم هر چیزی است که وجود دارد (حجت ، ۱۳۸۴). بی هویتی به معنی سلب هر گونه امکان تشخیص، مفهومی است که در دنیای واقعی با قانون مندی های مادی حاکم بر آن، شاید هیچ گاه به صورت مطلق نمود نیابد (قاسمی ، ۱۳۸۳: ۷۷).

هویت جمعی: برآیند هویت های افراد یک جامعه را هویت جمعی گویند. طبیعی است که در یک جامعه ی مشخص، هویت همه ی آحاد جامعه همسان نیست، بلکه فقط همپوشانی هایی با یکدیگر دارند.



۶- ادراک فضایی

آگاهی جامعه از محیط، طبیعت و اقلیم و ویژگی های سرزمینی که در آن و با آن زندگی می کنند، ادراک فضایی جامعه از آگاهی های اجتماعی است. هر جامعه محیط طبیعت اقلیم و ویژگی های سرزمینی خود را می شناسد و این جزء جدایی ناپذیر از آگاهی اجتماعی است که به آن ادراک فضایی جامعه می گویند. این ادراک فضایی شامل موقعیت اجتماعی و جغرافیایی سرزمین، خورشید و جهت و مدت تابش، باد و جهت حرکت و وزش آن، ارتفاع مکان زمین خاک و جنس آن، آب و میزان آن و میزان بارش و برف و درجه ی حرارت محیط و ... است. این اطلاعات به صورت تجربی از یک نثر به نثر دیگر منتقل میشود و این ها بود که معماری و نوع و طرح خانه های یک منطقه را شکل می بخشید.

شهر و بنا در دوره ای مختلف تاریخی همواره دارای یک شبکه ی فضایی سه بعدی بوده است. فضاها در مرکز شهر و پیرامون آن قرار می دادند فضاهای مرکزی و فضاهای پیرامونی باز، بسته و یا پوشیده بوده و به شیوه ای متوالی و پیوسته در ردون شبکه فضایی جای می گرفته اند. آنگونه که فضاهای باز را فضاهای بسته و پوشیده و فضاهای بسته را فضاهای پوشیده و باز در بر می گرفته است. با تکیه بر این مفاهیم پایه در معماری ایران یعنی حضور شبکه های فضایی خرد، کلان، فضاهای سه بعدی



، مرکز و لایه های فضایی پیرامونی، توالی پیوسته فضاهای باز و بسته و پوشیده تعداد غیر قابل شمارش بنا، فضا و بسیار شهرها شکل گرفته اند که هیچ کدام مثل هم نبوده و تک تک آنها قابل تمایز از یکدیگرند.

بدیهی است که طی تاریخ به دلیل تغییرات سرزمینی، اجتماعی و تاریخی، فرهنگ نیز تغییر کرده است و باعث بوجود آمدن شهرها و بناهای متنوع و متعدد شده است. اما در یک شهر کی محله و حتی یک بنا از لحاظ کالبدی دقیقا شبیه دیگری نیست. این را باید در خرد فرهنگ ها و حیات و شخصیت معماران آن زمان جستجو کرد و به همین دلیل است که با توجه به محدودیت الگوهای فضایی و مفاهیم پایه و قابل آموزش شاهد تنوع در دانه های معماری آن زمان هستیم.

مبتنی بر پژوهش های انجام شده توسط آقای محمد حایزی مازندرانی در شش شهر بوشهر، رشت، شیراز، کاشان، کرمان، همدان اگر بخواهیم نمونه ای از یک خانه ایرانی را از نظر بگذرانیم و چگونگی سازمان یافتن فضا را در یک شبکه نشان دهیم دو محور عمود بر هم را در نظر می گیریم یکی از مرکزیت های فضایی را (مثل حیاط) مرکز این شبکه در نظر می گیریم.

در مقایسه کلی خانه های معاصر با خانه های سنتی، می بینیم که در هر دو نوع خانه هم فضا و هم مصالح مورد استفاده قرار گرفته اند. هر دو نوع خانه جهت پا برجا ماندن در برابر حرکن های زمین و ایجاد آسایش برای ساکنین خود رانجهیز کرده اند. اما در یکی معیار های اصلی بر توانمند سازی فضا در پاسخگویی به نیازهای همه جانبه فرد، خانواده و گروه تأکید دارد و در دیگری توانمند سازی مصالح و اشیاء برای پاسخگویی به نیازهای جسمی، معیار اصلی شکل دهی فضا به حساب می آید. (حائزی مازندرانی، ۱۳۸۸:ص ۱۱۶)

عمده تفاوت در این دو نوع خانه، شیوه های به کار گیری و مصرف فضا است. معیار اصلی طراحی در خانه های سنتی رعایت حریم است حریم در حد فاصل خصوصی ترین خلوت ساکن در خانه تا عمومی ترین تجمع اهالی و خویشاوندان، در خانه به صورت فضاهای بینابینی و متوالی معیار شکل دهنده مراتب فضایی خانه است. ولی درخانه های معاصر چنین گوناگونی فضایی مشاهده نمی شود. در بررسی گونه شناسی معماری ایران که توسط محمد حائزی مازندرانی و چه در پژوهش های دیگر که توسط دیگران انجام پذیرفته است، خانه های ایرانی براساس یه الگوی فضاهای باز، بسته و پوشیده طبقه بندی شده است ان سه الگو فضا چه در قدیمی ترین خانه های ایران که قبل از اسلام به جا مانده برصفه ی تخت جمشید و چه درخانه های ساخته شده بعد از اسلام اطراف حرم امام رضا دیده می شود.

معماری ایرانی در قالب این سه الگو انواع گوناگونی از الگوهای فضایی را خلق کرده است و با گذشت زمان بر غنای مجموعه پاسخ های فضایی به فرهنگ و شیوه ی زندگی مردم و طبیعت ایران افزوده است. معماری معاصر ایرانی از این جهت بهره ناچیزی برده است به گونه ای که این الگوها را که لایه هایی از فرم، مضمون و معنا بوده است تقلیل یافته و به فضای تک بعدی مبدل گشته است. این کاستی را می توان در شیوه نامگذاری فضا و تعداد گوناگونی فضاهای خانه های معاصربه خوبی مشاهده کرد.

اگر تعداد فضاهای معاصر ساخته شده در شهرهای کشور را بشماریم از تعداد انگشتان دودست تجاوز نخواهد کرد که آنها عبارت اند از:

- ۱- ورودی
- ۲- حیاط در ارتباط با پیلوت و پارکینگ
- ۳- نشیمن
- ۴- پذیرایی
- ۵- آشپزخانه
- ۶- دستشویی و توالی
- ۷- حمام
- ۸- اتاق خواب
- ۹- انبار
- ۱۰- راه پله و راهرو.

درحالی که اگر تعداد فضاهای خانه ای تاریخی ایران بشماریم نمی توانیم تمامی آنها را نام ببریم. در اینجا سعی میکنیم تا تعدادی از آنها را معرفی کنیم. فضاهای خانه های سنتی ایرانی عبارت اند:

۱- درویند	۱۱- دودری	۲۱- پس سرداب	۳۱- پستو
۲- سردر	۱۲- سه دری	۲۲- زاویه	۳۲- تالار
۳- هشتی	۱۳- پنج دری	۲۳- طنابی	۳۳- آشپزخانه، مطبخ
۴- دالان	۱۴- شاه نشین	۲۴- بالا خانه	۳۴- سرپوشیده



۵- صفه	۱۵- پس اتاق	۲۵- گوشوار
۶- حیاط	۱۶- حوض خانه	۲۶- بام
۷- تخت گاه، ایوانچه	۱۷- ایوان	۲۷- کریاس
۸- مهتابی، بهار خواب	۱۸- شکم دریده	۲۸- باغچه و گودال باغچه
۹- شارمی	۱۹- غلام گردش	۲۹- آب ریزگاه
۱۰- طارمی	۲۰- سرداب و سیزان	۳۰- حوض و دستشویی

۷- الگوهای فضایی در خانه های سنتی ایران (عناصر هویت ساز)

۷-۱- الگوی فضای باز

حیاط اصلی ترین فضای باز خانه به حساب می آید. به غیر از حیاط در خانه های ایرانی طیف متنوعی از فضاهای باز قابل شناسایی است. فضای باز این خانه ها از سطح حیاط شروع می شود و به بام ختم و تا آسمان بالا می رود. بعد از شارمی در برخی از خانه ها به طارمی می رسد. طارمی مثل صغه ی فضای باز در جلوی اتاق های بزرگتر قرار دارد. در صورت گشودن درب اتاق های بزرگتر پیوستگی فضایی بین اتاق و طارمی بوجود می آید و مانند فضای اتاق قابل استفاده است.

پس از عبور از هشتی و دالان به حیاط می رسیم. حیاط یک کالبد عملکردی است و تمام اجزا و عناصر آن بی هدف و بی جهت در سطح آن پراکنده نیستند. حیاط خانه ی ایرانی اتاق است روباز، کهنی آراسته از خاک، درخت و آب دارد و با این عناصر است که حیاط هویتی پویا می یابد. در حیاط حداقل یک حوض وجود دارد حوضی که توسط سفره های زیرزمینی و قنات تقویت می شود (بجز شمال ایران)

رطوبت حاصل از تبخیر سطحی حوض باعث تلطیف فضای خانه می شود در اطراف هر حوض معمولا چهار باغچه به صورت متقارن قرار دارد که مملو از بوته ها، گلها، سبزه و درختان بومی است. بدنه های حیاط کاملا تعریف شده اند. جبهه های حیاط را فضاهای سرپوشده و بسته تشکیل می دهد و در سمت هایی که بنا وجود ندارد دیوار نقش فعال در تعریف حیاط ایفا می کند. ارتفاع دیوار به اندازه ای است که حس دربرگرفتنی را در حیاط ایجاد می کند. علاوه بر این، این جلوه های معماری و نماسازی است که بدنه ی حیاط را کامل میکند.

تقریبا همه ی راه ها، پله ها، پاگردها، اتاقها و سرداب ها به حیاط متصل هستند. و متقابلا حیاط نیز چشم اندازی طراحی شده و آراسته برای تمامی اتاق ها و فضاهای خرد و کلان خانه است. به این ترتیب در اغلب فصل های سال و اغلب ساعت های روز و شب، حیاط های خانه های بررسی شده در شش شهر قابل استفاده هستند و این استفاده حدو مرز ندارد و کاملا قابل توسعه و افزایش است. (حائزی مازندرانی، ۱۳۸۸:ص ۱۲۲) در بررسی خانه های بزرگتر به تعدد حیاط در خانه مواجهه می شویم. حیاط کوچکتر که به فضاهای عمومی هشتی و دالان متصل است (بیرونی) و حیاط بزرگتر که به فضاهای خصوصی خانه متصل است را در اصطلاح اندرونی می نامند.

برای رسیدن به صغه یا بهار خواب باید چند پله از حیاط بالاتر برویم. صغه یا بهار خواب که در بعضی از شهر های ایران بدان سکو نیز میگویند فضای بازی است که معمولا از سه طرف محصور است و در میان چند اتاق و راهروهای سرپوشیده قرار گرفته است. این فضا در صورت باز شدن درو پنجره ها با فضای اتاق خواب ترکیب و بست فضایی برای اتاق فراهم می کند ابعاد این فضا به حدی است که یک خانواده می تواند در آن بنشینند و منظر حیاط را تماشا کنند و در شبهای بهار و تابستان در آن بخوابند و در پناه بدنه های این فضا تا هنگامی که به خواب بروند آسمان را نظاره کنند. (حائزی مازندرانی، ۱۳۸۸:ص ۱۲۴)



۷-۱-۱- الگوی بالا - پایین شارمی

در نواحی مرکزی ایران معمولا حیاط ها پایین تر از سطح معابر هستند و ورود به این خانه می بایست از طبقه بالاتر از سطح حیاط انجام گیرد. در پیرامون حیاط، فضای عبوری روباز در نظر گرفته می شده که حیاط را دور میزده که با آن شارمی می گویند و در کاشان به اینگونه خانه ها پایین و بالا گفته می شود. شارمی یکی از انواع فضاهای باز در خانه های ایرانی است که جنبه عبوری دارد و به هنگام عبور از خانه تمامی جنبه های خانه به عنوان چشم انداز در مقابل عابر قرار می گیرد. در یزد به اینگونه خانه ها گوال باغچه میگویند و در بوشهر نیز این الگو استفاده می شود. (حائزی مازندرانی ، ۱۳۸۸:ص ۱۲۴)

۷-۱-۲- الگوی مهتابی

نوع دیگری از فضای باز که از نقطه نظر ارتفاع از حیاط و بهار خواب بالاتر و از بام پایین تر است مهتابی نام دارد. مهتابی مانند صفا از سه طرف محصور است. البته نه به توسط اتاق ها بلکه به وسیله دیواری متناسب و موزون با جداره های حیاط. جبهه ی خالی و دیگر مهتابی روبه حیاط است. (حائزی مازندرانی ، ۱۳۸۸)

۷-۱-۳- الگوی بام

تصور ما از بام، سطح انتهایی ساختمانی یا فضایی بی فایده است که فقط می توان از آن به عنوان محلی برای قرارداد تجهیزات حرارتی و برودتی و یا قرار دادن لوله تاسیسات استفاده کرد در حالی که در خانه سنتی ایرانی بام فضایی مستقل و روباز است که از سطوح مختلف مرتبط به هم تشکیل شده است و قسمت هایی از پیرامون آن توسط طاق نما و دیوار های کوتاه محفوظ و محصور است و همانند مهتابی قابل استفاده است. (حائزی مازندرانی ، ۱۳۸۸)

۷-۲- الگوی فضای پوشیده

در خانه های ایرانی زمانی که جنس و کارکرد دو فضا با یکدیگر متفاوت باشد میان آن یک فضای واسط وجود دارد معمولا این نوع فضاها جز دسته بندی الگوی فضای پوشیده قرار میگیرند این ویژگی یعنی ارتباط با واسطه فضاها در خانه ها ایرانی آگاهی مارا به وجود رابطه ی متقابل بین شیوه های زندگی و سازمان فضایی افزایش میدهد. (حائزی مازندرانی ، ۱۳۸۸:ص ۱۲۷)

۷-۲-۱- الگوی ورودی - سردر

عقب نشینی ورودی از گذر، از بعد دینی نمایانگر اعتقاد مردم به عدم تجاوز به حقوق دیگران است. سردر ورودی خانه های تاریخی یک فضای اتصالی انتقالی هستند، که معبر را به درون خانه متصل میکنند. معماری خانه های ایرانی نه تنها به فکر آسایش ساکنین خود است همچنین به افراد بیرون از خانه و همچنین دوستان و فامیل که در ایستادن و نشستن و به دور بودن از گرمای آفتاب و تردد مردم در حال عبور از کوچه هستند عمل می کند. که این عمل از نظر ارزشها و هنجارهای جمعی نمود ارزش گذاری به برقراری ارتباط با همسایگان و توجه به حقوق شهروندی جهت ایجاد محل های استراحت در مسیر



حرکتی می باشد. تمامی ورودی خانه های بررسی شده ی ایرانی به صورت دو لنگه از چوب ساخته و عمدتاً با فلز و گل میخ تزئین می شدند. هر لنگه ی در ، در فضای درگاه مختص به خود باز و بسته میشود و برای حریم سایر ورودی ها و مسیرها مزاحمت ایجاد نمیکرده است. بر روی درب، دو کبه با ظرافت های متفاوت قرار داشت که هر کدام برای زنان و مردان به صورت جداگانه طراحی شده بود تا اهالی خانه بدانند که چه کسی در پشت درب است. (حائزی مازندرانی ، ۱۳۸۸)

۷-۲-۲- الگوی ایوان

شناخته ترین فضای سرپوشیده ایوان نام دارد. ایوان یکی از قدیمی ترین الگوهای معماری در ساخت خانه های ایرانی تا اوایل قرن بیستم بود و احداث آن از ملزومات خانه به حساب می آمد. یک طرف ایوان باز و مشرف به حیاط ، دو طرف آن نیمه بسته و یک طرف آن بسته و مشرف به اتاق های شاه نشین که از قلمروهای عمومی به حساب می آمده است. در برخی نمونه های بررسی شده ایوان ها در بالاخانه مستقر شده بود و سازمان فضایی مستقلی را به خود اختصاص می دهد.

۷-۳- الگوی دستگاه سرپوشیده

در این الگو براساس بسط و تنوع ایوان ها انواع معماری براساس موضوع ، فضای سرپوشیده ساخته شده است. دستگاه سرپوشیده شامل انواع پیشانی ها، ایوان ها ، گنبد خانه ها و حیاط های کوچک نیمه مسقف است که در یک جبهه از خانه قرار میگرفته است.

۷-۳-۱- الگوی حوض خانه

در نمونه هایی از خانه ایرانی دستگاه سرپوشیده گاه از طریق استقرار یک حوض در زیر گنبد خانه ، ویژگی های دیگری را علاوه بر آنچه گفته شد چون خنکی، رطوبت و انعکاس تصاویری متنوع ایجاد میکند. در این حالت مجموعه این فضاها را حوض خانه می گویند.

۷-۳-۲- الگوی کرباس

نوع دیگر فضاهای سرپوشیده ، پیشخوان و پیش ورودی ، اتاق ها و تالار هاست. نام این فضا در منطق مرکزی و جنوبی ایران با تلفظ های مختلف کلباس و کرباس است. مسیرهای عبوری هر اتاق در این پاگردها در نظر گرفته می شود و به همین علت داخل هر اتاق یا تالار به تمامی مورد استفاده قرار می گیرد و رفت و آمد و آرامش فضای درون اتاق به خوبی تامین می شود. (حائزی مازندرانی ، ۱۳۸۸:ص ۱۳۱)

۷-۳-۳- الگوی هشتی

بعد از عبور از سردر به فضایی با امکان مکث پا می گذاریم این فضا نسبت به معبر کم نور تر و خنک تر است که حالتی خوش آمد گو و آرامش بخش را برای استفاده کننده به ارمغان می آورد. در طراحی این فضا، به بعد پیش فضایی ورودی، تمهیداتی اندیشیده شده است، از جمله میتوان از لحاظ بعد دینی (اصل محرمت) با باز شدن درب منزل دید مستقیم به داخل فضای خصوصی وجود ندارد. اما از نظر بعد ارزشها و هنجارهای ملی (مهمان نوازی و احترام به دریافت فرد از محیط)، به وجود سکوهایی اطراف هشتی جهت ایجاد فضای مناسب برای روشن کردن شمع، استراحت و انتظار میهمانان اشاره کرد. تزیینات و جداره های این فضا حس یک فضای مستقل مانند یک اتاق را به انسان می دهد و شخص یا اشخاص به راحتی و بدون حس ناخوشایند می توانند منتظر صاحب خانه باشند، که آنها را یا به داخل خانه دعوت کند و یا آنها را به بیرون از خانه ببرد. اطراف این فضا سکویی برای نشستن و استراحت و یا قرار دادن چیزی در آن قرار دارد. نور گیری این فضا از تنوره یا شمشه ی بالای آن تامین می شود که به این فضا هشتی می گویند. هشتی از مصدر هشتن به معنای گزران است و معمولا دارای فرم های مربع، مستطیل و هشت ضلعی است. در درون هر هشتی یک یا چند در وجود دارد تنها دالان و حیاط راه دارد که فاقد درب است.

۷-۴- الفگوی فضای بسته

هر فضایی که دارای عناصر سقف، کف، دیوار، در و پنجره باشد فضای بسته می گویند. فضای بسته یکی از انواع فضاهای موجد در معماری ایران است. پژوهش های معماری در دوره پیش از اسلام هم موید حضور سه گونه فضای باز، بسته، و پوشیده به طور هم زمان و هم مکان می باشد. فضای بسته با فضای باز و پوشیده معنا و کارکرد می یافته و این عناصر در دوره اسلامی نیز ادامه یافته بود. (حائزی مازندرانی، ۱۳۸۸)

۷-۴-۱- الفگوی زیرزمین

زیرزمین در زیر پایین خانه قرار دارد و نور و هوای مورد نیاز خود را از حیاط تامین می کند. قرار دادن حیاط در پایین تر از سطح معابر احداث زیرزمین را آسان می کرده است. خاک و عناصر زمین حاصل از خاک برداری به عنوان مصالح ساخت بنا مورد استفاده قرار می گرفته است. خانه ایرانی از پایین سطح خانه زیر زمین شروع و در بالاترین سطح خانه بام به آسمان متصل میشود. دمای خانه در زیر زمین پایین تر از جاهای دیگر خانه بود به همین دلیل در برخی از مناطق کشور با نام های سیزان و سرداب و گاهی اوقات در جنوب کشور به نام های شوادان معروف بوده اند. این اختلاف حرارت بین فضاها این امکان را به ساکنین میداده تا در فصول گرم سال از این فضاها بیشتر استفاده کنند و گاهی اوقات جهت جلوگیری از فاسد شدن مواد غذایی خود را در آنجا قرار میدادند.

۷-۴-۲- انواع الفگوی اتاق ها

اتاق در خانه ایرانی فضایی بسته و محصور که برای تامین خلوت ها خصوصی و برقراری روابط جمعی در نظر گرفته شده است. در خانه های ایرانی اتاق ها در یک طیف قلمرو از کاملا خصوصی تا کاملا عمومی قرار می گیرد. نوع اول: اتاق هایی که در قلمرو خصوصی تر خانه قرار دارند بسته به موقعیت قرار گیری آنها نام گذاری می شوند. اتاق هایی که در پایین خانه قرار می گیرند پس اتاق و اگر در بالای خانه باشند به آنها گوشوار می گویند.



نوع دوم: اتاق هایی که در قلمرو نیمه خصوصی قرار دارند عمدتاً در پایین خانه سازمان دهی می شدند اتاق های سه دری نمونه ای از این گروه هستند. در اغلب موارد سه دری ها در دو طرف یک فضای نیمه عمومی و عمومی قرار می گیرند و راه رو بین این فضاها به صورت یک فضای بینابینی عمل می کند. درهای این اتاق ها معمولاً روبروی یکدیگرند تا در مراسم دو فضا با هم ادغام شوند و فضای بزرگتری را ایجاد کنند.

نوع سوم و چهارم: اتاق هایی که در طیف نیمه عمومی تا عمومی قرار می گیرند پنج دری ها هستند. ارتفاع سقف ها در فضاهای نیمه عمومی بلندتر از فضاهای خصوصی و نیمه خصوصی در نظر گرفته می شوند زیرا مساحت های بزرگتر نسبت به آنها را دارند. در نوع چهارم که فضاهای عمومی را شامل می شود فضاهایی همچون شاه نشین ها یا تالار ها قرار می گیرد. مقیاس اتاق ها در خانه های ایرانی تعداد در - پنجره هایی است که به حیاط گشوه می شود. اتاق های دو دری، سه دری، پنج دری و هفت دری. اتاق های دو دری اتاق های خصوصی می باشند و سه دری برای نشیمن خانواده و پنج دری برای پذیرایی و مهمانی طراحی شده است.

۸- نتیجه گیری

با توجه به ادبیات تحقیق و تعاریف ارائه شده، می توان به اهمیت هویت در جامعه و در پی آن هویت در ساخت محیط های مصنوع پی برد. همان طور که بیان شد در یک دسته بندی کلی می توان هویت را در دو سطح فردی و جمعی تقسیم نمود. اما این هویت جمعی است که از لحاظ بعد ارزشی اهمیت ویژه ای دارد. هویت جمعی ما هویت ایرانی - اسلامی است. از جمله مهمترین و ابتدایی ترین مؤلفه های هویت جمعی می توان به ارزش ها و هنجار های ملی، اسطوره های و نماد های ملی، میراث فرهنگی، ویژگی های جغرافیایی و بعد دینی و باورهای مذهبی اشاره نمود. از آنجایی که فرهنگ هر جامعه تعریفی از هویت جمعی یک جامعه است و معماری نیز تعریفی از فرهنگ یک جامعه ارائه می کند. ساخت های ما باید در چهارچوب این هویت والا باشد، که برای همه ما با ارزش است. که این هدف را می توان با اصلاح خانه ها جدید و ساخت هایی که می خواهیم در آینده طراحی کنیم، با توجه به هویت ایرانی - اسلامی میسر نمود و مسیر زندگی انسانی تا رسیدن به کمال که هدف انسان از زندگی است را هموار کرد. تعدد فضایی در خانه های سنتی و وجود مکان های متناسب با هر رفتار ما در گذشته به اهمیت و نگاه شخص معمار به نیاز های مادی و معنوی افراد اشاره دارد که این موضوع باعث جاری شدن حس تعلق در فضاهای خانه ها شده بود. حس تعلق زمانی در یک فضا جاری میشود که ما آن فضا را از خودمان بدانیم و هویت مان در آن جاری کنیم.

مراجع

۱. آلمن، ایروین، محیط و رفتار اجتماعی، ترجمه علی نمازیان، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲
۲. افروغ، عماد، فضا و نابرابری های اجتماعی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷
۳. اقبالی، سید رحمان، هویت معماری - معمار ایرانی، بررسی تطبیقی نظریه ها و تجربه ها، رساله دکترها دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۸
۴. تولایی، نوین، زمینه گرایی در شهرسازی، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۱۰، صص ۴۳-۳۴، ۱۳۸۰



۵. حجت، عیسی، هویت انسان ساز، انسان هویت پرداز: تعاملی در رابطه با هویت و معماری، فصلنامه هنرهای زیبا شماره ۲۴، صص ۶۲-۵۵، ۱۳۸۴
۶. حائری مازندرانی، محمدرضا، خانه، فرهنگ، طبیعت: بررسی معماری خانه های تاریخی و معاصر، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، ۱۳۸۸
۷. سجادی، س.ج، فرهنگ معماری اسلامی، جلد چهارم، تهران: انتشارات شرکت مولفان و مترجمان، ۱۳۶۳
۸. لنگ، جان، آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی فر، تهران: انتشارات دانشگاه ۱۳۸۶
۹. قاسمی اصفهان، مروارید، اهل کجا هستیم، هویت بخشی به بافت های مسکونی چاپ اول تهران انتشارات روزنه، ۱۳۸۳
۱۰. محرمی، توحید، هویت در ایران، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳
۱۱. مدنی پور، علی، طراحی فضاهای شهری، نگرشی بر فرایند اجتماع و مکان، تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، ۱۳۷۹
۱۲. موثقی، رامین، ایرملو، سحر، عناصر هویت فرهنگی در شهر مرجع مهندسی عمران، اولین همایش بین المللی شهر برتر، طرح برتر، همدان، سازمان عمران و شهرداری همدان، ۱۳۸۵
۱۳. نوفل، سیدرضا، پورجعفر، محمدرضا، بررسی و ارزیابی شاخص های موثر در هویت شهری، نشریه آرمان شهر، شماره ۳، ۱۳۸۸